

بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق ایران و اردن^۱

لیلا سادات اسدی
پژوهشگر^۲

چکیده

جرایم علیه عدالت قضایی جرایمی هستند که به گونه‌ای مانع تحقق عدالت قضایی می‌شود. قانون جزای اردن، فصلی را به جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص داده و در سه قسمت، جرایم مخل روند عدالت، جرایم مخل اجرای احکام قضایی و احقاق حق بدون توسل به مرجع قضایی را جمعاً در ۳۱ ماده، با ۱۳ وصف مجرمانه مورد توجه قرار داده است. قانون مجازات اسلامی ایران به طور پراکنده موادی را به جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص داده است که از آن جمله می‌توان به شهادت کذب (ماده ۶۴۹) سوگند دروغ (ماده ۶۵۰) و گزارش خلاف واقع (ماده ۵۸۸) اشاره کرد.

احقاق حق بزه دیده یا جامعه به عنوان بزه دیده کلی با اقدام‌های صحیح در طریق کشف جرم، تعقیب مجرم، دادرسی عادلانه و اجرای حکم به نحو دقیق میسر است، لذا شایسته است مقنن ایران با تجمیع مواد قانونی مرتبط با روند عدالت قضایی، به اصلاح و تکمیل این مواد بپردازد. مقاله حاضر در بیان تطبیقی موضوع مذکور و خلأهای قانونی در نظام قانونگذاری است.

واژگان کلیدی
جرم، عدالت قضایی، قانون جزا، اردن، ایران
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- کار ارزیابی مقاله در تاریخ ۸۴/۵/۱۵ آغاز و در تاریخ ۸۴/۶/۱ به اتمام رسید.

۲- معاونت مجتمع قضایی خانواده یک تهران

در عالم حقوق از دیر باز جرایم را به سه دسته علیه اشخاص، علیه اموال و علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم نموده‌اند. این تقسیم‌بندی در کتب جزای اختصاصی استقرار یافته است (میر محمد صادقی، ۱۳۷۸، ص ۱۷؛ ولیی، ۱۳۶۹، ص ۳۳). جرایمی که در سیر عدالت قضایی، روند کشف جرم، تعقیب مرتکب، تحقیق پیرامون جرم، دادرسی و اجرای حکم خدشه ایجاد می‌کند و آن را کند نموده یا موانعی در کشف حقیقت و اجرای عدالت ایجاد کند، در سالهای اخیر مورد توجه قانونگذاران سیستم‌های کیفری دنیا قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی کشورها فصلی را در قانون جزا به این جرایم اختصاص داده‌اند.

در این نوشتار دیدگاه قانونگذار ایران به جرایم علیه عدالت قضایی مورد توجه قرار گرفته و جایگاه این جرایم در حقوق ایران با قانون جزای کشور اردن که یکی از پیشرفته‌ترین قوانین کیفری دنیا در خصوص این نوع جرایم است، مقایسه می‌گردد. علت انتخاب قانون جزای اردن به عنوان محور تطبیق آن است که اردن کشوری اسلامی است که ساخت فرهنگی، اجتماعی و حقوقی آن ریشه در دین اسلام دارد. «تا سال ۱۸۵۸م پس از فتح اسلام، قانون کیفری اردن با بهره‌گیری از احکام اسلامی به وسیله دولت عثمانی اجرا می‌شد، اما به تدریج قانون عرفی شکل گرفت. اولین قانون کیفری اردن در سال ۱۹۵۱م تصویب شد که تا سال ۱۹۶۰م چندین بار مورد تجدید نظر قرار گرفت» (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۹۰).

از سوی دیگر قانون جزای اردن که به تازگی در سال ۲۰۰۲م به تصویب رسید، یکی از جدیدترین قوانین جزایی در کشورهای اسلامی است. علت سوم این انتخاب آن است که توجه قانونگذار اردن به جرایم علیه عدالت قضایی با تخصیص فصلی از قانون به این نوع جرایم و همچنین تقسیم‌بندی دقیق آن قابل درنگ می‌باشد.

مفهوم جرایم علیه عدالت قضایی، انواع این جرایم و بعضاً تشریح ارکان آن در جرایم مهم، بخش‌هایی از این نوشتار را تشکیل می‌دهد. در ابتدا مفهوم و انواع جرایم علیه عدالت قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد و پس از آن به بررسی تطبیقی هر یک از این جرایم در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران و کشور اردن می‌پردازیم.

مفهوم جرایم علیه عدالت قضایی

عدالت عبارت است از «گذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۱، ص ۴۴۴). عدالت کیفری که بیشتر بر آیین دادرسی کیفری استوار است می‌تواند بزه‌کار را از ناکرده بزه تفکیک نموده و ضمن جلوگیری از خودسری و استبداد مجریان عدالت کیفری، از اشتباهات قضایی ممانعت و اجرای عدالت را میسر سازد» (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۳). هر آنچه در مسیر اجرای قوانین شکلی و تشریفات دادرسی و اجرای حکم خلل وارد نماید، به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی قابل طرح است. به عبارت دیگر جرایم علیه عدالت قضایی، اختصاص به فعل یا ترک فعلی دارد که به گونه‌ای مانع تحقق عدالت قضایی در جامعه می‌شوند (کوشا، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

انواع جرایم علیه عدالت قضایی

جرایم علیه عدالت قضایی به طور عمده در دو طبقه گنجانده می‌شوند، «موانع ثبوتی استقرار عدالت» و «موانع اثباتی در اجرای عدالت»؛ همچنین تعرض‌هایی که نسبت به صاحب منصبان عدالت قضایی از جمله قضات و کارشناسان رسمی صورت می‌گیرد نوع دیگری از این جرایم می‌باشند. موانع ثبوتی استقرار عدالت، اعمالی هستند که به طور اخص در عدم اجرای عدالت اثر می‌گذارند» (ممو، ص ۱۹). از جمله این جرایم می‌توان به عدم اعلام جرم و مخفی نمودن مرتکب جرم اشاره کرد. موانع اثباتی نیز اعمالی را در برمی‌گیرند که در روند اثبات جرم خلل ایجاد می‌نمایند و از این قبیل است رشاء و ارتشاء. از جمله جرایمی که به صاحب منصبان قضایی به قصد نفوذ بر آنان در جهت عدم اجرای عدالت ارتکاب می‌یابد می‌توان به تهدید مقام قضایی اشاره نمود.

جرایم علیه عدالت قضایی در قوانین جزایی ایران و اردن

قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۵ بدون اینکه فصلی را به جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص دهد، به طور پراکنده به برخی از افعال و ترک فعل‌هایی که مخل روند

عدالت و احقاق حقوق اشخاص است، وصف مجرمانه اعطا نموده است اما قانونگذار کشور اردن فصل چهارم از قانون جزایی مصوب ۲۰۰۲م را به جرایم علیه عدالت قضایی اختصاص داده است.

جرایم علیه عدالت قضایی در قانون جزای اردن به سه بخش زیر طبقه‌بندی شده است:

- ۱- جرایمی که نقض کننده و مخل روند عدالت است.
- ۲- جرایمی که مخل عملیات اجرای احکام قضایی است.
- ۳- احقاق حق به صورت شخصی و بدون توسل به دستگاه قضایی.

۱- جرایم مخل روند عدالت

اول - کتمان جنایت: مطابق ماده ۲۰۶ ق.ج.ا «هر کس به واقع شدن جنایتی علم داشته باشد که در زمره جنایات مندرج در مواد ۱۳۵-۱۳۸، ۱۴۲-۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۸ این قانون است و سریعاً مقامات قضایی را به نحوی معقول خبر ننماید به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

شرط تحقق این ماده عبارت است از:

۱- علم به اینکه جنایتی از جنایات مندرج در مواد مصرحه در حال ارتکاب است. این علم باید به صورت یقینی باشد و خوف از وقوع جنایت را شامل نمی‌شود؛ ۲- عدم اطلاع به مقامات قضایی به نحو معقول؛ ۳- تحقق جنایت.

هم چنان که ملاحظه می‌شود، جرم عدم اعلام جنایت صرفاً اختصاص به «جنایات» دارد و جرایم از نوع جنحه را در بر نمی‌گیرد. همچنین این جرم عمدی است و بی‌تفاوتی در برابر احتمال وقوع جرم نمی‌تواند عنصر معنوی آن را مسجل سازد.^۱ در خصوص رکن

۱- جرایم از نظر رکن معنوی به سوء نیت جازم و سوء نیت احتمالی تقسیم می‌شوند. «در سوء نیت جازم، مرتکب با علم و آگاهی، فعل مجرمانه را انجام می‌دهد و نتیجه مجرمانه را صریحاً خواستار است مانند اینکه کسی با اسلحه به دیگری شلیک می‌کند و قطعاً خواهان سلب حیات از مجنی علیه است. سوء نیت احتمالی زمانی است که مرتکب عملی را انجام می‌دهد و احتمال ترتب نتیجه‌ای را هم می‌دهد ولی قطع و یقین ندارد که چنین بشود. برای مثال اگر راننده اتوبوسی با وجود علم به نقص فنی وسیله نقلیه‌اش اقدام به مسافركشی کند و احتمال تصادف را هم بدهد اما یقین نداشته باشد... سوء نیت راننده اتوبوس احتمالی است (شامبیاتی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۷۸).

مادی این جرم باید گفت رفتار فیزیکی شکل دهنده آن از نوع ترک فعل است و بدین وسیله مقنن بر کلیه افراد، وظیفه اعلام جنایت را فرض نموده است. عدم اعلام جنایت از جرایم مقید^۱ است و در صورتی منجر به تعقیب می‌شود که جنایت کتمان شده تحقق یابد.

مطابق بند ۲ ماده ۲۰۶ حکم این ماده بر همسر کسی که در این توطئه دست دارد، بر فرزندان و بر ابویین او جاری نخواهد بود. این بند به معاف نمودن اقوام نزدیک جانی از مجازات مندرج در ماده ۲۰۶ پرداخته و در واقع به معاذیر قانونی جرم^۲ استناد نموده است. قانون مجازات اسلامی به جرم‌انگاری «عدم اعلام جنایت و جنحه» نپرداخته است و تکلیفی برای افراد عادی در برابر جرایمی که در حین وقوع یا در شرف وقوع است یا جرایمی که ارتکاب یافته، فرض ننموده است. این امر با توجه به اهمیت برخی جرایم مثل قتل عمد باید مورد توجه قرار گیرد. البته لازم به ذکر است که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در مواردی برای افراد خاصی وظیفه اعلام جرم ارتكابی در خصوص کودک را قرار داده و عدم انجام این تکلیف را جرمی مستقل به شمار آورده است. مطابق ماده ۶ این قانون، کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیمی مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود.

این تمهید قانونگذار ایران از آن جهت است که کودکان به علت ناتوانی جسمانی و عقلی قادر به اعلام شکایت و احقاق حقوق خویش نیستند. اما از آن جا که اکثریت قریب به اتفاق موارد کودک آزاری توسط افراد و مؤسساتی که مسؤول نگاهداری کودکان هستند

۱- «در جرایم مقید، تحقق جرم به حصول نتیجه مجرمانه، یعنی ضرر و خسارتی مقید شده است بنابراین تا زمانی که نتیجه‌ای غیرقانونی از عمل مجرمانه ناشی نشده باشد جرم کامل مصداق پیدا نمی‌کند» (صانعی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸۷).

۲- «گاه جرمی به صورت کامل ارتکاب یافته و قابل انتساب به فاعل مادی آن نیز هست. اما قانونگذار مرتکب را در صورت جمع بودن شرایطی از مجازات معاف می‌شناسد» (همو، ج ۲، ص ۶۸؛ گلدوزیان، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۸).

ارتکاب می‌یابد، محدود نمودن این تکلیف به افرادی خاص چاره ساز نمی‌باشد و بهتر بود مقنن، کلیه افرادی را که با کودک زندگی می‌کنند یا در حیطة وسیعتر، کلیه افراد جامعه را در این مشارکت، سهیم می‌نمود.

لازم به ذکر است با توجه به اینکه مطابق ماده یک قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کلیه افرادی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند، لذا عدم اعلام جرایم کودک آزاری مندرج در مواد ۲۱، ۲۳ و ۲۴ این قانون درباره کلیه افراد زیر هجده سال توسط افرادی که مسؤولیت نگهداری و سرپرستی کودک را بر عهده دارند، جرم محسوب شده و قابل پیگرد است.

دوم- تأخیر و تعلل در کشف جرم یا تعقیب مجرم: وفق ماده ۲۰۷ ق.ج.ا هر مأموری که وظیفه‌اش بررسی و تحقیق از مجرم است، به محض آگاهی از وقوع جرم در دستگیری متهم تعلل کند و آن را به تأخیر بیندازد به حبس از یک هفته تا یک سال یا جریمه نقدی از پنج دینار تا بیست دینار محکوم خواهد شد.

بند ۲ این ماده به تعلل مأمور در اعلام جرمی اختصاص یافته که در حین وقوع یا در شرف وقوع است، مطابق این بند هر مأموری که در اعلام جرم به مقام ذیصلاح سستی نماید، اعم از اینکه آن جنایت یا جنحه در حال وقوع است یا احتمال وقوع آن می‌رود، به حبس از یک هفته تا سه ماه یا به جزای نقدی از پنج دینار تا بیست دینار محکوم خواهد شد.

بند ۳ عدم اعلام جرم توسط کسانی را که شغل آنها کمک رسانی است، دارای وصف

۱- ماده ۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم و روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است».

۲- ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب، حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد».

۳- ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می‌گردد».

کیفری دانسته، چنین مقرر می‌دارد «هر کس که حرفه او یکی از حرف کمک رسانی شخصی است و بر وقوع جنایت یا جنحه‌ای بر شخص نیازمند کمک آگاه شود و به مرجع ذیصلاح اطلاع ندهد، به مجازات مندرج در بند ۲ محکوم خواهد شد».

بند ۴ نیز جرایمی را که صرفاً دارای جنبه خصوصی بوده و تعقیب آن متوقف بر شکایت شاکی خصوصی است، از سه بند اول ماده ۲۰۷ مستثنی نموده، چنین مقرر می‌دارد «جرایمی که تعقیب آن متوقف بر شکایت شاکی خصوصی است، از موارد فوق‌الذکر مستثنی است».

قانون مجازات اسلامی به تعلق در کشف جرم و تعقیب مجرم و آثار سوء آن توجهی ننموده است. در حالی که عدم جرم‌انگاری عمل مأموری که وظیفه کشف جرم و تحقیق درباره آن را دارد و در این امر مسامحه می‌نماید، موجب می‌گردد ضابطان و مأموران در انجام وظایف خویش اهتمام کافی نداشته باشند. البته لازم به ذکر است که عدم اجرای دستور مقام قضایی بدون عذر موجه در مواد ۱۶ و ۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ جرم‌انگاری شده است، اما اولاً- اعمال مورد عنایت در این مواد کافی برای در بر گرفتن کلیه موارد تعلق و مسامحه در کشف جرم، تعقیب مجرم و انجام تحقیقات نیست؛ ثانیاً- جرم‌انگاری باید در قانون مجازات اسلامی صورت گیرد نه در آیین دادرسی کیفری.

سوم- اخذ اقرار با شکنجه: مطابق بند یک ماده ۲۰۸ قانون جزای اردن، هر کس برای اخذ اقرار به ارتکاب جرم یا ارائه اطلاع مربوط به جرم، مرتکب خشونت به گونه‌ای شود که در قانون منع شده است، به حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. بند ۲ همین ماده نتیجه حاصل از شکنجه و اعمال خشونت را مورد توجه قرار داده و بر اساس آن مجازات را تشدید می‌نماید. متن بند ۲ چنین است، «هر گاه اعمال خشونت به مرض یا جراحت منتهی شود، مجازات حبس از شش ماه تا سه سال را به دنبال دارد و چنانچه این اعمال به طور مستقل و به موجب قانون، مستوجب مجازات شدیدتری باشد، مجازات شدیدتر قابل اعمال است».

قانونگذار اردن اخذ اقرار با شکنجه را جرم دانسته و ضابطه تشخیص غیرقانونی بودن

این اعمال را قانون قرار داده است. بنابراین چنانچه اخذ اقرار از متهم یا مظنون با ارتکاب اعمالی باشد که در قانون وضع شده است، عمل اقرار گیرنده مشمول ماده ۲۰۸ می‌باشد. ایجاد آثار جراحت یا مرض (اعم از دایم و غیر دایم) بر مجنی‌علیه تا جایی که در قانون برای آن عمل، مجازات شدیدتری در نظر گرفته نشده باشد، شش ماه تا سه سال حبس را به دنبال دارد. با این وصف مقنن، افزایش حداقل میزان حبس، بدون افزایش آن را از مصادیق تشدید مجازات دانسته است.

ماده ۵۷۸ ق.م.ا اخذ اقرار با شکنجه را جرم دانسته و مستوجب مجازات شش ماه تا سه سال حبس قرار داده است. نکته مورد توجه قانونگذار ایران، جمع مجازات تعزیری با دیه و قصاص است و چنانچه عمل مأمور به گونه‌ای باشد که دیه یا قصاص لازم آید، مرتکب علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، به حبس تعزیری نیز محکوم خواهد شد.

انتهای ماده ۵۷۸ به مسأله ارتکاب جرم موضوع این ماده به امر آمر قانونی پرداخته است. در صورت سکوت ماده فوق از این جهت، با مراجعه به عموماً ماده ۵۶ ق.م.ا حکم قضیه روشن بود، اما مقنن در این قسمت قائل به تفکیک شده و مسئولیت آمر و مباشر را در دو فرض مشخص کرده است؛ فرض اول وقتی است که عمل مرتکب موجب مرگ مجنی‌علیه شود. در این حالت مباشر به مجازات قاتل و آمر به مجازات آمر قتل مندرج در ماده ۲۱۱ (حبس ابد) محکوم خواهد شد. فرض دوم حالتی است که مجنی‌علیه فوت نکرده است. در این جا فقط آمر به مجازات حبس تعزیری مندرج در ماده ۵۷۸ محکوم می‌گردد و برای مباشر، مجازات تعزیری متصور نیست و صرفاً به قصاص عضو یا پرداخت دیه ضرب و جرح حسب مورد محکوم خواهد شد.

چهارم- اعلام جرم به دروغ و افترا: وفق ماده ۲۰۹ قانون جزای اردن کسی که به مقام قضایی یا هر مقامی که ابلاغ احکام قضایی را بر عهده دارد، از جرمی خبر دهد که می‌داند ارتکاب نیافته است و همچنین کسی که در تحقیقات مقدماتی یا در حین محاکمه، ادله خلاف و غیر واقعی ارائه دهد یا اعمالی از این قبیل را مرتکب شود، به مجازات حبس تا هشت ماه یا جریمه نقدی تا ده دینار یا هر دو این مجازاتها محکوم خواهد شد.

ماده ۲۱۰ نیز چنین مقرر می‌دارد، ۱- کسی که اقدام به شکایت کند یا با نامه‌ای کتبی

خطاب به مقام قضایی، به شخصی ارتکاب جرمی را نسبت دهد و متهم از اتهام برائت حاصل کند، بر اساس اهمیت جرم نسبت داده شده، به حبس از یک هفته تا سه سال محکوم خواهد شد؛ ۲- هر گاه جرم نسبت داده شده از درجه جنایت باشد، مفتری به اعمال شاقه موقت محکوم می‌شود.

همچنین ماده ۲۱۱، پشیمانی و انصراف مفتری و مخبر را از موارد تخفیف مجازات دانسته و چنین مقرر داشته است «هرگاه مخبر از خبر یا افترا زنده از افترای خود قبل از تکمیل پرونده منصرف شود به یک ششم مجازات مندرج در دو ماده قبل محکوم خواهد شد و اگر انصراف او از آنچه که به دروغ نسبت داده است، بعد از تکمیل پرونده بر اساس گزارش باشد، به یک سوم مجازات محکوم می‌گردد».

مواد ۶۹۷ و ۶۹۹ ق.م.ا.شبهت‌هایی با جرایم موضوع مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ ق.ج.ا. دارد. ماده ۶۹۷ در خصوص افترای غیر عملی مقرر می‌دارد «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگری به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون، آن امر جرم محسوب شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که مستوجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها محکوم خواهد شد...».

تفاوت جرم افترا در حقوق ایران و اردن در اهمیت جرم اسناد داده شده است. در قانون اردن مجازات مفتری بر اساس اهمیت جرمی که نسبت داده است، تشدید می‌شود؛ اما در قانون ایران نوع و درجه جرم نسبت داده شده، تأثیری در مجازات مفتری ندارد. همچنین قانون ایران به علت مخففه در ماده ۲۱۱ قانون اردن (پشیمانی و انصراف مفتری و مخبر) توجه نکرده است و صرف تحت تعقیب قرار گرفتن فرد در اثر اتهام وارده توسط مفتری را کافی دانسته است. البته مطابق بند ۴ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، اعلام متهم (در این جا مفتری) قبل از تعقیب یا اقرار او در مرحله تحقیق و همچنین مطابق بند ۶ همان ماده، اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن می‌تواند در تمامی جرایم از موجبات تخفیف مجازات باشد.

پنجم- ارائه هویت مجعول: وفق ماده ۲۱۲ قانون جزای اردن، کسی که در مقابل قاضی یا ضابط که از او بازجویی می‌کند، خود را با اسم و عنوان مجعول معرفی کند یا اطلاعات دروغ درباره هویت یا محل اقامت خود ارائه دهد به حبس کمتر از یک ماه یا جزای نقدی از یک تا ده دینار محکوم خواهد شد.

ماده ۲۱۳ نیز کسی را که نام دیگری را در تحقیق مقدماتی یا محاکمه کتمان نماید مستحق یک ماه تا یک سال حبس دانسته است.

جرم فوق بر خلاف جرم «عدم اعلام جنایت» که تحقق آن نیازمند نتیجه است، مطلق می‌باشد و لازمه‌اش گمراه شدن بازپرس یا قاضی نیست. بنابراین چنانچه قاضی از هویت اصلی متهم مطلع باشد، مانع تحقق جرم نخواهد بود.

قانون جزای ایران در جرم‌انگاری این عمل دچار خلأ است و این خلأ با عنایت به اینکه ارائه هویت مجعول که موجب گمراه شدن قاضی، بازپرس یا مأمور تحقیق می‌شود، آثار سوء زیادی در بردارد، باید به نحو صحیح پر شود.

ششم- شهادت کذب: ماده ۲۱۴ قانون جزای اردن به جرم‌انگاری شهادت کذب در مقابل مقام قضایی پرداخته و شهادت دروغ یا انکار حقیقت یا کتمان آن به طور کلی یا جزئی را مستوجب مجازات حبس از سه ماه تا سه سال دانسته است. دارا بودن شرایط شهادت یا فقدان آن تأثیری در تحقق جرم نداشته و قسمت اخیر ماده با عبارت «صرف‌نظر از اینکه شهادتش در آن مسأله مورد قبول واقع شده باشد یا خیر» به مطلق بودن جرم اشاره دارد.

بند ۲ این ماده چنین مقرر می‌دارد «هرگاه شهادت کذب در اثناى تحقیق در خصوص جنایت یا محاکمه واقع شده باشد، مجازات وی اعمال شاقه موقت است که کمتر از ده سال نمی‌باشد» و مطابق بند ۳ اگر شهادت بدون سوگند باشد، مجازات به نصف تقلیل می‌یابد.

ماده ۲۱۵، موارد معافیت از مجازات را در دو بند به شرح زیر احصاء نموده است: «افراد زیر از مجازات معاف می‌شوند:

۱- شاهدهی که در اثناى تحقیقات مقدماتی ادای شهادت دروغ نموده و قبل از خاتمه

تحقیق از شهادت خود باز گردد و به اخبار صحیح در حق متهم اقدام ورزد.

۲- شهادتی که در اثنا دادرسی شهادت داده قبل از اینکه حکم در اساس دعوی صادر شود، اعم از اینکه نهایی یا غیر نهایی باشد، از شهادت دروغ خود باز گردد».

همچنین مطابق ماده ۱۶ عده دیگری به شرح زیر از مجازات عفو گردیده‌اند:

الف- شهادتی که احتمال می‌دهد اگر حقیقت را بگوید در معرض ضرر فاحشی قرار می‌گیرد که به آزادی و شرافت وی لطمه وارد می‌شود یا همسرش در معرض این ضرر فاحش قرار می‌گیرد یا یکی از پدر، مادر یا فرزندانش یا خواهر و برادرش یا یکی از بستگان او از بین می‌روند.

ب- شخصی که شنیدن صحبت‌های وی مثل یک شاهد ضروری نیست یا اینکه قاضی را به این امر آگاه کند که اگر بخواهد می‌تواند وی را از شهادت منع کند.

مواد ۶۴۹ و ۶۵۰ ق.م.ا به دو جرم شهادت دروغ و سوگند غیر واقع اشاره کرده است و در باب شهادت دروغ به مسأله یمین و سوگند شاهد توجه ننموده است و شهادت دروغ را صرف‌نظر از اینکه همراه با سوگند باشد یا نباشد به یک اندازه قابل مجازات دانسته است.

مطابق ماده ۶۵۰ هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا ... جریمه محکوم خواهد شد. با این وصف شهادت دروغ در دادرسی مشمول ماده ۶۵۰ نمی‌گردد و این امر ناشی از عدم وجود دادرسی در زمان تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ می‌باشد^۱ همچنین این مسأله که نتیجه شهادت دروغ چه بوده و ضرر متضرر از شهادت دروغ به چه میزان بوده، در مجازات شاهد دروغگو دخیل نمی‌باشد؛ در حالی که مطابق قانون اردن چنانچه فردی در اثر شهادت دروغ به اعدام یا حبس ابد محکوم شود، موجب تشدید مجازات شهادتی خواهد شد که در جریان دعوی شهادت دروغ داده است. تبصره ماده ۶۵۰ ق.م.ا، مجازات مذکور در این ماده را علاوه بر مجازاتی دانسته که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر شده است. در حالی که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ

۱- سیستم دادرسی در ایران با قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ در دادگاه‌های عمومی و انقلاب برچیده شد و مجدداً با اصلاح قانون فوق‌الذکر در سال ۱۳۸۱، احیا گردید.

این نوع جرایم، مجازاتی وضع نشده است.

هفتم- گزارش خلاف واقع: ماده ۲۱۸ قانون جزای اردن در خصوص مجازات کارشناسی که گزارش خلاف واقع به دادگاه ابراز می‌کند، مقرر داشته است: «کارشناسی که توسط مقام قضایی در امر حقوقی یا جزایی منصوب شده است و به امر خلاف گزارش دهد یا با علم به حقیقت، تفسیری نادرست از آن ارائه کند، ضمن انفصال دائم از شغل کارشناسی به حبس از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». بند ۲ این ماده ارائه گزارش خلاف واقع در امر جنایی را مستوجب تحمل اعمال شاقه موقت دانسته است.

ماده ۵۸۸ ق.م.ا، حکمی شبیه به ماده ۲۱۸ قانون جزای اردن را به این شرح مقرر داشته است «هر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشند یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نهایی کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد».

تفاوت‌های این دو ماده به شرح زیر است:

الف- مجازات ماده ۲۱۸ صرفاً برای کارشناسی است که توسط مقام قضایی منصوب شده است اما ماده ۵۸۸ به کارشناسانی که توسط طرفین تعیین شده‌اند، نیز تسری می‌یابد.
ب- اخذ مال یا وجه برای تحقق جرم موضوع ماده ۵۸۸ ضروری است؛ در حالی که ماده ۲۱۸ به این امر اشاره نکرده است که از این جهت بر ماده ۵۸۸ برتری دارد. زیرا چه بسا انگیزه‌های دیگری غیر از کسب مال موجب ارتکاب این جرم شود.

ج- آنچه در ماده ۵۸۸ ضروری است عبارت از «اظهار نظر به نفع یکی از طرفین در مقابل اخذ وجه یا مال» است صرف نظر از اینکه این اظهار نظر به حق باشد یا خیر. در حالی که در ماده ۲۱۸ گزارش خلاف واقع یا تفسیر نادرست کارشناس مد نظر مقنن قرار گرفته است.

د- ماده ۵۸۸ به مجازات تکمیلی که عبارت از ضبط مال اخذ شده به نفع دولت است، اشاره نموده که در ماده ۲۱۸ با توجه به عدم ذکر شرط «اخذ مال یا وجه» جایگاهی ندارد.

هـ ماده ۲۱۸ به عنوان مجازات تکمیلی، کارشناس را از ادامه اشتغال به حرفه کارشناسی منع نموده است؛ اما ماده ۵۸۸ به این امر اشاره نکرده است و با توجه به ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی باید گفت محرومیت از حقوق اجتماعی از جمله حق انتخاب به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی (موضوع بند «ز» تبصره یک ماده ۶۲ مکرر) مشمول مرتکبان جرم موضوع ماده ۵۸۸ نمی‌گردد. (مطابق بند ۳ ماده ۶۲ مکرر محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم، از حقوق اجتماعی محروم می‌گردند).

هشتم- سوگند دروغ: مطابق ماده ۲۲۱ قانون جزای اردن؛ ۱- کسی که سوگند دروغ خورد برای صفتی که مدعی آن یا مدعی ضد آن است و این سوگند در دعوی حقوقی باشد، به حبس از هشت ماه تا سه سال و جزای نقدی از پنج تا پنجاه دینار محکوم خواهد شد؛ ۲- و هر گاه قبل از اینکه تکلیف دعوی که موضوع سوگند بود روشن شود، از دروغ خود بازگشته و حقیقت را بگوید، از مجازات معاف می‌شود.

سوگند دروغ در قانون ایران موضوع ماده ۶۴۹ ق.م.ا است که به طور مطلق کسی را که در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد و سوگند دروغ یاد کند، به شش ماه تا دو سال محکوم نموده است.

نهم- جرایمی که مانع روند و سیر عدالت می‌شوند: ماده ۲۲۲ قانون جزای اردن هر کس را که عمداً سند یا شیئی را از بین ببرد که در نتیجه آن، شناخت حقیقت غیرممکن شود یا حقیقت مبهم جلوه نماید یا با علم به اینکه آن سند یا شیء در تدابیر و اقدامات قضایی مؤثر است، عمداً آن را تغییر دهد تا در استفاده از آن به عنوان دلیل، غیرقابل استفاده شود، مستوجب حبس تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه دینار و یا هر دو مجازات دانسته است.

ماده ۲۲۳ در تبنانی با قاضی چنین آورده است «هر کس به هر صورت با قاضی که رسیدگی پرونده به او محول شده است، به صورت کتبی یا شفاهی تماس بگیرد که این تماس به صورت من غیر حق در نتیجه اقدامات قضایی اثر بگذارد به حبس تا یک ماه یا جزای نقدی که از ده دینار تجاوز نکند و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

ماده ۲۲۴ در جرم تأثیر من غیر حق در قاضی با شاهد مقرر داشته است کسی که انتشار اخبار یا اطلاعاتی دهد که در قاضی یا شاهد مؤثر باشد یا اینکه مانع دیگری شود که اطلاعاتی را که دارد نزد صاحب امر آشکار کند، به حبس تا سه ماه یا جزای نقدی تا پنجاه دینار محکوم خواهد شد.

در قانون جزای ایران اگر چه اخذ رشوه توسط قاضی یا پیشنهاد رشوه به وی، در عموماً مندرج در قانون مجازات اسلامی در باب رشوه و همچنین ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری جرم‌انگاری شده است، اما اعمال دیگری که می‌تواند در روند عدالت، اختلال ایجاد کند و عنوان رشوه نیابد، مورد توجه قانونگذار ایران قرار نگرفته است؛ از جمله می‌توان به جرایم موضوع مواد ۲۲۳ (تبانی با قاضی) و ۲۲۴ (تأثیر غیر حق در قاضی) در قانون جزای اردن اشاره کرد که جای آن در قانون ایران خالی است.

دهم- انتشار مطالب ممنوعه: ماده ۲۲۵ قانون جزای اردن در احصاء مواردی که نشر آن ممنوع است، چنین آورده است:

۱- سندی از مدارک تحقیقات جنایی یا جنجه‌ای قبل از اینکه در جلسه علنی تحقیقات خوانده شود؛ ۲- جلسات محاکمات سری؛ ۳- محاکمات در دعوی توهین به مقدسات؛ ۴- هر محاکمه‌ای که محکمه انتشار آن را منع کند.

صدر ماده جریمه نقدی از پنج تا بیست و پنج دینار را به عنوان مجازات این جرم قرار داده است. ماده ۲۲۶ نیز کوشش برای به دست آوردن اطلاعات دادگاه کیفری را مجرمانه تلقی نموده است و مستحق حبس تا سه ماه یا جریمه تا ده دینار یا هر دو مجازات دانسته است.

۲- جرایم مخل در اجرای احکام قضایی

فصل دوم از باب چهارم قانون جزای اردن به جرایمی که در مرحله اجرای احکام قضایی رخ می‌دهد، اختصاص دارد. این جرایم به شرح زیر می‌باشند:

اول- آسیب به قدرت احکام قضایی: طبق ماده ۲۲۷ افراد زیر به حبس از یک ماه تا

یک سال یا جزای نقدی از ده تا پنجاه دینار محکوم می‌شوند:

الف - کسی که به مال غیر منقولی مسلط شود تا آن را به صورت غیر قانونی متعلق به خود نماید.

ب - کسی که با تدابیری که محکمه برای نگهداری از ملکی و یا وضع ید بر آن در نظر گرفته است، مخالفت کند. هر گاه عمل با زور همراه باشد، حبس از سه ماه تا دو سال را در پی دارد.

قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۴۳ فک پلمپی را که توسط مقامات صالح قضایی یا غیر قضایی شده است، جرم دانسته و سه ماه تا دو سال حبس برای آن مقرر داشته است. محو نمودن یا شکستن مهر یا پلمپ نیز در ماده ۵۶۴ مورد توجه قرار گرفته است.

دوم- فرار زندانی: بند ۲ ماده ۲۲۸ قانون جزای اردن مقرر داشته است:

هر کس به علت ارتکاب جنایت یا جنحه به طور موقت بازداشت شده باشد و فرار کند، به مجازات اصلی وی اضافه می‌شود و این افزایش بیش از نصف مجازات اصلی نیست؛ مگر اینکه قانون خلاف آن را تصریح کرده باشد.

ماده ۲۲۹ نیز در مجازات کسی که به فرار فرد توقیف شده کمک کند، چنین مقرر داشته است؛ ۱- کسی که فرار شخصی را که طبق قانون برای ارتکاب جنحه زندانی شده است، تسهیل کند به حبس تا هشت ماه محکوم خواهد شد؛ ۲- و هر گاه فراری به علت جنایتی با مجازات غیر از اعدام و اعمال شاقه ابدی بازداشت شده باشد، فراری دهنده به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد؛ ۳- هر گاه فراری مرتکب جنایتی با مجازات اعدام یا اعمال شاقه ابد شده باشد، فراری دهنده به مجازات حبس با اعمال شاقه تا هفت سال محکوم می‌گردد.

ماده ۲۳۰ به مجازات کسی که تحت عنوان نگهبان، مأمور حفاظت از زندانی است و فرار او را تسهیل نموده است، پرداخته و چنین آورده است «هر کس مکلف به نگهبانی شخصی که طبق قانون توقیف یا زندانی شده است باشد و مقدمات فرار او را آماده کرده یا تسهیل کند به حبس از سه ماه تا یک سال در حالت اول که در ماده ۲۲۹ ذکر شده، و اعمال شاقه سه تا پنج سال در حالت دوم و اعمال شاقه از پنج تا ده سال در حالت سوم

محکوم می‌گردد».

بند ۲ ماده ۲۳۰ سهل‌انگاری مأمور را که منتهی به فرار زندانی شود، مستوجب مجازاتی خفیف‌تر بر اساس سه حالت مندرج در ماده ۲۲۹ دانسته است.

ماده ۲۳۲ به جهات تخفیف مجازات اشاره نموده و مقرر داشته است «هر گاه مأمور نگهبان، فراری را دستگیر کند یا او را وادار به تسلیم خود نماید و این امر در خلال سه ماه بعد از فرار وی صورت گیرد، بدون اینکه مرتکب، جرم دیگری که متصف به جنحه یا جنایت باشد انجام دهد، مجازاتش نصف می‌شود».

مواد ۵۴۷-۵۵۴، ق.م.ا به جرم فراری دادن متهم یا محکوم، تسهیل فرار و تهیه وسیله برای فرار وی پرداخته است. همچنین برای فرد زندانی که فرار نموده است مجازات تعیین کرده است. مطابق ماده ۵۴۷ هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار کند مستحق مجازات است و چنانچه برای فرار خرابی به بار آورد، باید تأمین خسارت را نیز بنماید. تبصره این ماده برای زندانی که پس از اعطای مرخصی و پایان مدت آن، خود را در موعد مقرر به زندان معرفی نکند مجازات فراری قرار داده است.

ماده ۵۴۸ به مجازات مأموری که سهل‌انگاری وی علت فرار زندانی یا فرد توقیف شده است، پرداخته و ماده ۵۴۹ بر خلاف ماده ۵۴۸ که فاقد عنصر عمد است، به فراری دادن عمدی زندانی توسط مأمور مراقبتی وی پرداخته است.

ماده ۵۵۱ ق.م.ا برای اشخاصی غیر از مأمور نگهبان فراری که عمداً موجب فرار می‌شوند، مجازاتی خفیف‌تر از مجازات مأمور قرار داده است. علت این امر را باید در مسئولیت و وظیفه قانونی مأمور در مراقبت از زندانی یا فرد بازداشت شده جستجو کرد.

ماده ۵۵۲ به معاونت در فرار با تهیه اسلحه و ماده ۵۵۳ به تهیه وسیله فرار که آن نیز از مصادیق معاونت است، پرداخته و در ماده ۵۵۳ مخفی کردن فرد فراری جرم‌انگاری شده است. همچنین جرم جلوگیری از دستگیری در مواد ۵۵۳ و ۵۵۴ ق.م.ا مورد اشاره قرار گرفته است.

قانون جزای اردن به جرم ممانعت از دستگیری و کمک به اخفای کسی که تحت پیگرد است، اشاره نموده است. تبصره ماده ۵۵۴ در ذکر عوامل تخفیف مجازات فراری

دهنده یا معاون در این جرم چنین مقرر داشته است «در موارد مذکور در ماده ۵۵۳ و این ماده، در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد، مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود».

۳- در گرفتن حق خود بدون توسل به دستگاه قضایی

فصل سوم از جرایم علیه عدالت قضایی در قانون جزای اردن به اخذ حق، رأساً و بدون توسل به مراجع قضایی اشاره کرده است. مطابق ماده ۲۳۳ کسی که حق خود را رأساً بگیرد، در حالی که قادر است به مرجع قضایی ذی صلاح مراجعه کند، به جریمه نقدی تا ده دینار محکوم می‌شود. ماده ۲۳۴ نیز چنین مقرر داشته است هر گاه عمل مذکور در ماده سابق با زور همراه باشد، فاعل به حبس تا هشت ماه یا جزای نقدی تا بیست و پنج دینار محکوم خواهد شد. ماده ۲۳۵ ماهیت جرایم موضوع دو ماده قبل را خصوصی اعلام نموده و اقدام به تعقیب را موقوف به شکایت متضرر دانسته است؛ به شرط اینکه جنحه مذکور همراه با جرم دیگری نباشد و در حالت اخیر تعقیب را مستلزم شکایت خصوصی ندانسته است.

اخذ یا اعمال حق به طور شخصی و بدون توسل به دستگاه قضایی در قانون ایران جرم‌انگاری نشده است. با توجه به بافت فرهنگی کشور ایران به ویژه در مناطق جنوبی و غربی یا در شهرهای کوچک، دادگستری خصوصی جایگاه ویژه‌ای دارد. لذا جرم‌انگاری این عمل تا حدی مانع انتقام‌گیری‌های خصوصی شده و نظارت و اقتدار قوه قضاییه را پررنگ‌تر می‌سازد.

مقایسه قوانین جزایی ایران و اردن روشن می‌سازد که قانون جزای اردن توجه ویژه‌ای به کلیه جرایم علیه عدالت قضایی دارد که جای بسیاری از مواد آن در قانون مجازات اسلامی ایران خالی است. به ویژه جرایمی چون عدم اعلام جنایت، گرفتن حق خود بدون توسل به دستگاه قضایی که از یک سوی منتهی به تضییع نفس، مال و حقوق افراد شده و از سوی دیگر نظام جامعه و اقتدار دستگاه قضایی را خدشه‌دار می‌سازد. لذا امعان نظر مقنن ایران به اصلاح قانون مجازات اسلامی از جهات فوق ضروری است.

منابع و مأخذ

- ✓ آشوری، محمد، *عدالت کیفری*، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ✓ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸
- ✓ شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، تهران، نشر ویستار، چاپ سوم، ۱۳۷۲
- ✓ صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۱
- ✓ کوشا، جعفر، *جرایم علیه عدالت قضایی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ✓ گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای عمومی ایران*، تهران، نشر ماجد، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ✓ میرمحمد صادقی، حسین، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۷۸
- ✓ محقق داماد، سید مصطفی، *نظام کیفری کشورهای اسلامی*، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳
- ✓ ولیدی، محمد صالح، *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی